

جعفر کذاب و تلاش برای غصب مقام امامت امام زمان (عج)

سجاد کلانتری

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

sajjad18k@gmail.com

فیض‌اله بوشاسب گوشه

دانشیار، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

f.boushasb@yahoo.com

ناصر جدیدی

دانشیار، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

jadidi_naser@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۷ شماره ۶۴ - صفحه ۳۳۲-۳۰۹

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۸

چکیده

اثمه(ع) به علت اینکه رهبر شیعیان بودند، جایگاه ویژه‌ای میان مردم و صاحبان قدرت داشتند. دارا بودن چنین جایگاه ویژه‌ای، باعث می‌شد فرزندان اثمه(ع) به راحتی امامت برادر یا برادرزاده‌ای که به مقام امامت رسیده را قبول نکنند و برای رسیدن خودشان به چنین جایگاهی تلاش کنند. یکی از این فرزندان، جعفر برادر امام حسن عسکری(ع) و عموی امام زمان(عج) است. وی به دلیل اینکه امام زمان(عج) خردسال و در غیبت بودند و به جز افراد معدودی از خانواده و شیعیان، شخص دیگری ایشان را ندیده بود، در پی غصب مقام امامت^۱ امام زمان(عج) بود و برای مدتی عده‌ای از شیعیان را با خود همراه کرد اما در نهایت نتوانست به مقصود خویش برسد و به همین علت به جعفر کذاب معروف گردید. هدف این مقاله آن است که با روش توصیفی-تحلیلی، عواملی که بر جعفر کذاب تأثیر گذاشت تا ادعای امامت کند و همچنین دلایلی که در رد امامت وی وجود دارد، مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: جعفر کذاب، امام حسن عسکری(ع)، امام زمان(عج)، مقام امامت، ادعای امامت

۱. منظور، امامت و ولایت ظاهری بر مردم است.

مقدمه

از همان ابتدای اسلام و تبلیغ علنی دین در روز یوم‌الدار، پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع) را - با آنکه از نظر سن، نوجوان بودند - به عنوان ولی و جانشین خویش معرفی نمودند. این امر نشان می‌دهد که از مهمترین مسائل جامعه اسلامی مسئله جانشینی پیامبر (ص) بوده و همچنین سن، نقشی در انتخاب جانشین اصلح نداشته است. در مورد اختلافات بر سر خلافت بعد از پیامبر (ص) سخن بسیار گفته شده اما در مورد اختلاف بر سر امامت توسط فرزندان از ائمه (ع) که این مقام را به دست نیاورده‌اند، کمتر سخن به میان آمده است. در صورتی که میان بعضی از فرزندان ائمه (ع) بر سر مقام امامت و جانشینی پدر، اختلاف نظرهایی وجود دارد.

اینکه فرزند امام معصوم مخالف رأی و نظر امام رفتار کند و درصدد برآید تا جایگاه و مقام امامت را غصب کند در چند مورد اتفاق افتاد و جعفر کذاب پسر امام دهم شیعیان از آن جمله است. اهمیت و ضرورت این پژوهش از این جهت است که موجب آشنایی بیشتر با جعفر کذاب می‌شود که از جمله فرزندان از ائمه (ع) است که به منصب و مقام امامت نرسید و به همین دلیل باید بررسی شود که در مواجهه با پدر، برادر و فرزند برادرش که دارای مقام امامت بودند، چگونه برخورد کرد؟ همچنین تلاش بر این است تا مشخص گردد چه عواملی بر جعفر کذاب تأثیر گذاشت تا برای کسب مقام امامت تلاش کند؟ در ادامه پژوهش نیز باید مشخص شود که با توجه به اینکه جعفر ادعای امامت کرد و از قضا مورد پذیرش برخی از شیعیان هم قرار گرفت، به چه دلایلی امامت جعفر کذاب مردود اعلام می‌شود؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد او شایستگی‌های لازم را برای کسب مقام امامت نداشت هر چند تلاش‌های بسیاری نمود تا این مقام را کسب کند حتی با حکومت جور نیز سازش کرد و برای کسب و حفظ ریاست خود بر شیعیان با آنها همکاری داشت و از آنها کمک گرفت.

موضوع حاضر از جمله موضوعاتی است که کمتر در مطالعات و کتابخانه‌ها به آن پرداخته شده است. در این زمینه یک کتاب با عنوان «طهر مطهر در تبرئه جناب جعفر عموی امام زمان (عج)» در سال ۱۳۹۵ در مورد جعفر کذاب نگارش گردیده، در این کتاب نویسنده محترم احساساتی با موضوع برخورد کرده و همانگونه که از عنوان آن مشخص است، بسیار در تلاش است تا جعفر کذاب را از همه اتهاماتش تبرئه کند و هر جا دلیلی برای رفتار جعفر پیدا نکرده آن را به حساب تقیه گذاشته است. در سال ۱۳۹۶ نیز مقاله‌ای با عنوان «کاوشی در بازشناسی

شخصیت جعفر بن علی الهادی(ع)» در نشریه پژوهش‌های مهدوی چاپ گردیده که زندگی‌نامه و اتفاقاتی که پیرامون جعفر کذاب روی داده را بیان می‌دارد و رفتارهای نادرست وی را ذکر می‌کند. اما مقاله حاضر تلاش دارد تا دیدگاه و رفتار جعفر را نسبت به مقام امامت و امامان زمان خویش مورد بررسی قرار دهد.

در مقاله حاضر، تکیه اصلی برای تدوین اطلاعات و تهیه فیش، بر مبنای منابع تاریخی و حدیثی است. در منابع تاریخ‌نگارانه مثل تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، الکامل ابن اثیر و دیگر منابع، مطالب بسیار اندکی در مورد جعفر کذاب وجود دارد. این می‌رساند که موضوع جعفر یک موضوع عام نبوده و اختلافات بیشتر بین خود شیعیان بوده و نمود بیرونی زیادی پیدا نکرده است. فقط در منابع فرقه‌شناسی مثل الملل و النحل شهرستانی، فرق الشیعه نوبختی و المقالات و الفرق اشعری نام فرقه‌هایی که به امامت جعفر اعتقاد داشتند آورده شده که همین فرقه‌ها نیز به سرعت جذب در شیعه امامیه گردیدند و دوام و بقا نیافتند. بر همین اساس، تکیه بیشتر این پژوهش بر منابع حدیثی است که البته جنبه تاریخ‌نگارانه دارند اما کتاب تاریخی به معنای مصطلح نیستند.

نکته قابل تذکر در مقاله پیش‌روی این است که مطرح کردن برخی مباحث کلامی فقط به دلیل این بوده که در منابع حدیثی و تاریخی ذکر گردیدند و در این مقاله فقط از جنبه تاریخی مورد بحث و بررسی می‌گردند و بررسی آنها از جنبه کلامی خارج از موضوع این مقاله است.

بحث

زندگی‌نامه جعفر کذاب

امام هادی(ع) دارای چهار پسر به نام‌های حسن(ع)، حسین، محمد و جعفر و یک دختر به نام عایشه (علیه) بودند. (مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۱۲) حسین و محمد در زمان حیات امام هادی(ع) فوت کردند. با شهادت امام هادی(ع) فقط دو پسر ایشان، حسن(ع) و جعفر در قید حیات بودند. (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۵۰۳) نسل امام هادی(ع) نیز از طرف همین دو فرزندش ادامه یافت. (شامی، ۱۴۲۰: ۷۳۳ و ۷۳۴) جعفر از برادرش امام حسن عسکری(ع) کوچکتر بود. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۲۶) کنیه‌اش، ابو عبدالله بود. (شامی، ۱۴۲۰: ۷۳۴) یعنی هم‌نام و هم کنیه امام صادق(ع) بود. جعفر با امام حسن عسکری(ع) از یک مادر نبودند و مادرش ام‌ولدی به نام «حذق» بود. در سال ۲۷۱ ه‍.ق و در ۴۵ سالگی از دنیا رفت و در منزل پدرش در شهر سامرا

مدفون گردید.^۲ (عمروی، ۱۴۲۲: ۳۳۰) «کذاب»، «کرین» و «زِقِ الخَمَر» سه لقب وی بود. (عمروی، ۱۴۲۲: ۳۲۶) اما لقب مشهور وی کذاب (دروغگو) بود. چون بعد از برادرش امام حسن عسکری(ع) ادعای امامت کرد. (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۸۰)

القاب «ابو کرین» یا «ابا البنین» نیز به وی نسبت داده شده و از آن جهت است که گفته شده صد و بیست فرزند داشت.^۳ (عمروی، ۱۴۲۲: ۳۳۰) حدود شانزده تن از فرزندان در کودکی فوت کردند. (عمروی، ۱۳۸۰: ۳۳۰) بعضی از فرزندان جعفر کذاب عبارتند از: اسماعیل، طاهر، یحیی، هارون، علی، ادریس، عبدالله، عبدالعزیز، محسن، عیسی و ابراهیم. برخی از منابع، فهرستی از فرزندان و نوادگان وی را گردآوری کرده‌اند. (عمروی، ۱۴۲۲: ۳۳۰ و ۳۳۱) غیر از اسامی ذکر شده، ابن حزم نام‌های محمد، موسی، احمد، عبیدالله و حسن را نیز بیان کرده است. (ابن حزم، ۱۴۰۳: ۶۱ و ۶۲) گفته شده رضویون که نسب‌شان به امام رضا(ع) می‌رسد از فرزندان وی هستند. (ابن عنبه، ۱۳۶۲: ۱۹۹) در کتب تاریخی فقط نام فرزندش محسن بیان شده که مشهور به ابن‌الرضا بود و در سال ۳۰۰ هـ ق در شام قیام کرد و دعوی خلافت داشت اما شکست خورد و کشته شد و سرش را به بغداد فرستادند. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۱۷) یحیی، پسر دیگرش، به یحیی صوفی معروف بود به قم مهاجرت و در آنجا ساکن گردید. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۶ و ۲۱۷)

ادعای امامت

امام حسن عسکری(ع) در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ ق و در ۲۸ سالگی درگذشت و در منزل پدرش در سامرا مدفون گردید. (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۰۳) در این زمان

۲. البته در این روایت در سال وفات یا سن جعفر کذاب اشتباهی رخ داده است. چون با این حساب سال تولد او ۲۲۶ هـ ق می‌شود که در این صورت با توجه به روایات کافی و ارشاد که گفته‌اند کوچکتر از برادرانش محمد و امام حسن عسکری(ع) بوده در تضاد است و همچنین با تولد پدرش امام هادی(ع) که در سال ۲۱۲ هـ ق است، همخوانی ندارد زیرا بدین معناست که ایشان در ۱۴ سالگی پدر شده‌اند که حتی برای آن زمان هم زود بوده است. سال تولد جعفر کذاب باید بعد از ۲۳۲ هـ ق که سال تولد امام حسن عسکری(ع) است، باشد.

۳. البته داشتن این تعداد فرزند، عجیب به نظر می‌رسد و این القاب فقط نشانه کثرت فرزندان وی است. در کتاب فخر رازی نام چهل و شش تن از فرزندان وی ذکر شده است. (فخر رازی، ۱۴۱۹: ۹۳ تا ۹۵) در نتیجه معلوم می‌گردد تعداد فرزندان جعفر حتی اگر صد و بیست تن هم نباشد اما بسیار زیاد بوده که چنین لقبی به وی نسبت داده شده است. زیرا در همین خانواده اهل‌بیت(ع)، امام کاظم(ع) با اینکه سی و هفت فرزند داشتند اما به ابوکرین معروف نشدند. (مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۲۴۴) محدث نوری معتقد بود که وی بیست و چهار فرزند داشته است. (نوری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۱۰)

چون به ظاهر برای ایشان فرزندی متولد نشده بود، برادرش جعفر، از این موقعیت سوء استفاده کرد و ادعای امامت نمود. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۸) عواملی چند بر جعفر کذاب تأثیر گذاشت تا ادعای امامت کند این عوامل عبارتند از:

عوامل موثر بر ادعای امامت جعفر کذاب ۱- غیبت امام زمان(عج)

امام حسن عسکری(ع) در زمان حیات خویش به شیعیان تأکید کرده بودند که حتی بردن نام امام زمان(عج) و پرسیدن نام ایشان حرام است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۰) پس از وفات ایشان نیز چنین وانمود شده بود که فرزندی از خود به جای نگذاشته‌اند. (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۱۵) البته خانواده و شیعیان نزدیک ایشان از این موضوع مطلع بودند اما چون عموم مردم از این موضوع مطلع نبودند به همین علت، هر کس ادعای امامت می‌کرد به خصوص اگر از خانواده اهل بیت(ع) بود مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت. از همین روی بود که جعفر کذاب موقعیت را مناسب دید و ادعای امامت کرد و چون بسیاری از شیعیان آگاه نبودند که امام حسن عسکری(ع) فرزندی دارند در ابتدای امر مورد استقبال جمعی از شیعیان قرار گرفت. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۲۶) حتی خیر امامت وی چنان گسترش یافت که برخی از مردم شهرهای دیگر مثل دینور نیز گمان داشتند وی امام است. (راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۲: ۶۹۹ و ۷۰۰) یکی از دلایل این بود که جعفر کذاب به همه اعلام کرد، برادرش وفات یافته و فرزندی ندارد و منکر وجود امام زمان(عج) شد. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۶۷) با اینکه خود می‌دانست و در احادیث پدرانش از وجود چنین فرزندی مطلع شده بود. بعضی از شیعیان نیز با اینکه می‌دانستند جعفر کذاب شایستگی‌های لازم برای کسب مقام امامت را ندارد اما چون به غیر از وی امام حاضری جلوی دیدگانشان نبود به امامت وی روی آوردند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۱) به غیر از این موارد، جعفر کذاب از ارباب و ترساندن معتقدان وجود امام زمان(عج) نیز استفاده کرد. وی حتی به خانواده و نزدیکان برادرش که انتظار دیدار امام زمان(عج) را داشته و او را امام می‌دانستند، دشنام می‌گفت و با ایشان دشمنی می‌کرد تا آنجا که در زندانی کردن کنیزهای امام حسن عسکری(ع) و گرفتاری زناش کوشید و همه ایشان را ترساند و از خانه بیرون کرد. (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۷۳) جعفر کذاب به این هم راضی نشد و خود را آماده کرد که اگر برای برادرش، فرزندی به جای مانده با نابودی‌اش به مقام امامت نایل آید. برای همین بود که امام زمان(عج) از دیده‌ها مخفی شدند تا جانشان در امان باشد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۲)

همه این اتفاق‌ها در حالی افتاد که جعفر کذاب سه بار^۴ امام زمان (عج) را دیده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۱) مرتبه اول در زمان وفات امام حسن عسکری (ع) اتفاق افتاد. وقتی جعفر کذاب می‌خواست بر پیکر برادرش در شهر سامرا و در خانه پدریش، نماز بخواند ناگهان امام زمان (عج) آمدند و جعفر کذاب را از کنار پدرشان دور کرده و سپس بر پدرشان نماز خواندند و مردم هم به ایشان اقتدا کردند و امام (عج) نیز بعد از نماز ناپدید شدند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۵) مرتبه دوم زمانی بود که جعفر کذاب در حال غصب خانه و اموال امام حسن عسکری (عج) بود. امام زمان (عج) در حالی که خردسال بودند خود را به جعفر نشان داده و فرمودند: «این خانه، خانه تو نیست بلکه خانه من است.» و سپس مخفی شدند. مرتبه سوم نیز هنگامی بود که مادر امام حسن عسکری (ع) وفات کرد و خواستند ایشان را در خانه امام (ع) در شهر سامرا دفن کنند اما جعفر با این کار مخالفت کرد و خانه را از خود دانسته بود. امام زمان (عج) دوباره خود را به جعفر نشان داده و همان جمله را مجدد تکرار کردند و دوباره مخفی شدند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۴۲) با این دیدارها، اگر جعفر کذاب در متولد شدن امام زمان (عج) شک داشت یا اعتقادی به وجود فرزند برادرش نداشت، قاعدتاً باید شکش برطرف می‌گردید اما برای آنکه بتواند مقام امامت را کسب کند، قبول نمی‌کرد کودکی را که چندین مرتبه دیده است، فرزند برادرش باشد.

۲- کسب ثروت با غصب میراث برادر و وجوهات شیعیان

وقتی امام حسن عسکری (ع) وفات یافت، «حدیثه» مادر امام حسن عسکری (ع) برای مراسم تدفین و رسیدگی به ماترک پسرش، از مدینه به سامرا آمد. اما جعفر کذاب از ایشان میراث برادرش را طلب نمود و آن را حق خود دانست و نزد خلیفه معتمد عباسی از ایشان بدگویی کرد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۴) جعفر کذاب از روی حرص و طمع، خلیفه را تحریک نمود تا خانه پدری خویش را به کمک نظامیان خلیفه، تفتیش کند. هدف وی از این کار این بود که هم بتواند پسر برادرش که حدود شش سال داشت را در صورت رویت به قتل برساند و هم بتواند به زور، میراث برادرش را تصاحب نماید. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۹ و ۳۲۰) «صقیل»، کنیز امام حسن عسکری (ع) برای اینکه خانواده امام (ع) را راحت بگذرانند ادعا کرد از امام حسن عسکری (ع) باردار است، خلیفه نیز زنان مورد اعتمادی را برای مراقبت از او گماشت اما پس از

۴. در منابع دو بار ذکر گردیده است. ن.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۱؛ مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۵۳؛ فتال

شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۶۲.

گذشت حدود دو سال معلوم شد باردار نیست (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۴) و اینکه بنا بر ظاهر، فرزندی از امام (ع) باقی نمانده است. اما با این حال، ماترک امام حسن عسکری (ع) بین مادر و برادرش، با اینکه حقی در این اموال نداشت، تقسیم گردید. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۰) جعفر کذاب نیز همه بردگان و کنیزان امام حسن عسکری (ع) را فروخت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۲۴ و ۵۲۵) تا درآمد بیشتری به دست آورد. وی هیچ حق قانونی در گرفتن ماترک برادرش نداشت زیرا همه پدرانش فرموده‌اند: «با وجود مادر، برادر ارث نمی‌برد.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۸ و ۱۰۷) اما با کمک خلیفه و به زور، نیمی از اموال برادرش را تصاحب کرد. این موضوع در احادیث نیز پیش‌بینی شده بود، امام حسین (ع) در مورد اموال امام زمان (ع) فرموده بودند: «قائم این امت نهمین فرزند من است و هم او است که از نظرها غائب شود و در حال حیات ارثش را تقسیم کنند.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۷)

جعفر کذاب غیر از تصرف میراث برادر خویش، تلاش نمود با تکیه زدن بر منصب و مقام امامت، اموالی را که شیعیان به عنوان وجوهات برای امام می‌آوردند را نیز تصاحب کند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۸۸ و ۴۸۹) وی برای تصاحب وجوهات شیعیان، به زور هم متصل شد و از خلیفه معتمد عباسی گرفت اما به هدفش نرسید. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۶ و ۴۷۷) مشخص است که جمع این دو، میراث برادر و وجوهات شیعیان، رقم قابل توجهی خواهد شد که برای هر انسانی می‌تواند وسوسه کننده باشد از همین روی، جعفر کذاب نیز وسوسه شد و تلاش نمود تا هم مقام امامت را به دست آورد و هم به دنبال آن، به ثروت فراوانی نیز دست یابد.

۳- حمایت خلیفه عباسی از جعفر کذاب و همکاری دو جانبه

یکی از سیاست‌های خلفا این بود که برای کم کردن تأثیر امام بر حق، از اشخاص ضعیف‌تری حمایت می‌کردند تا بر امام دروغین مسلط باشند، دلیل حمایت از جعفر کذاب توسط خلیفه معتمد عباسی نیز همین بود تا شیعیان که منتظر ظهور قائم (ع) بودند آماده قیام نشوند. از همین روی بود که جعفر کذاب را در تفتیش خانه امام حسن عسکری (ع) همراهی و حمایت کردند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۲) و نیمی از ماترک امام (ع) را به وی هدیه دادند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۰) همین حمایت‌ها نیز جعفر کذاب را در تصمیم خویش برای کسب مقام امامت مصمم‌تر کرد اما با همه این حمایت‌ها، شیعیان زیادی، چون رفتارهای نادرستی از جعفر دیده بودند به امامت وی توجه نکردند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۱۵) و هر چه او برای کسب مقام امامت تلاش

نمود به مقصود خود نرسید. وقتی خلیفه عباسی دید شیعیان به جعفر کذاب اقبالی ندارند، چتر حمایتی خویش را از روی وی برداشت و حتی برخلاف تصور او، نگذاشت شیعیانی که وجوهای خویش را برای امام(ع) می‌آورند آن را به جعفر کذاب تحویل دهند. جعفر که تا این لحظه مورد حمایت خلیفه قرار داشت از این رفتار خلیفه در بهت و حیرت ماند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۶ و ۴۷۷) اما متوجه شد که دیگر خلیفه عباسی از او برای رسیدن به مقام امامت، حمایت نخواهد کرد.

۴- تلاش برای کسب موقعیت اجتماعی امام حسن عسکری(ع)

هر چند خلیفه عباسی دست از حمایت جعفر کذاب برداشت اما جعفر از تلاش باز نایستاد و این بار نزد عبیدالله بن یحیی بن خاقان، وزیر خلیفه معتمد عباسی رفت و درخواست کرد تا منصب و مقام برادرش امام حسن عسکری(ع) را به او بدهند و حتی پیشنهاد رشوه داد و تعهد نمود، سالی بیست هزار دینار پردازد. اما وزیر عباسی وقتی رفتار جعفر کذاب را دید به خشم آمد و پس از ناسزاهای فراوان به او گفت: «ای نادان، خلیفه بر شیعیانی که گمان می‌کردند پدر و برادر تو امامند، شمشیر کشید و خواست آنها را از عقیده‌ای که دارند منصرف سازد ولی موفق نشد. اینک اگر تو در نزد پیروان پدر و برادرت امام باشی نیازمند به خلیفه نیستی تا او یا دیگری مقام نامبردگان را به تو تفویض نماید و اگر دارای این منزلت نبوده‌ای دسترسی بدان پیدا نخواهی کرد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۰۳ تا ۵۰۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۰ تا ۴۴؛ مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۲۱ تا ۳۲۳) با توجه به رفتارهای خلیفه و صحبت‌های وزیرش، مشخص می‌شود که این دو کاملاً از توجه شیعیان به امامت جعفر کذاب مأیوس شده‌اند که حتی پیشنهاد رشوه وی نیز راه به جایی نبرد.

۵- شیعیان

بی‌شک وجود یاران و پیروان ثابت قدم می‌تواند انسان را در راهی که انتخاب کرده ثابت قدم تر و عزم آدمی را برای رسیدن به هدف نهایی جزم تر کند. در کنار جعفر کذاب نیز شیعیانی بودند که حتی در زمان حیات پدرش، امام هادی(ع) و پس از وفات محمد، فرزند ارشد امام هادی(ع)، جعفر کذاب را امام می‌دانستند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۰۵ و ۱۰۷) به غیر از این عده، برخی از شیعیان نیز بعد از وفات امام هادی(ع) به امامت جعفر معتقد شدند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۵؛ نویختی، ۱۴۰۴: ۹۵) همین گروه از شیعیان وقتی امام حسن عسکری(ع) در سامرا رحلت نمود، اطراف جعفر کذاب را گرفته و به خاطر وفات امام(ع) به وی، تسلیت و به

خاطر مقام امامتش، تبریک گفتند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۵) حضور این پیروان در کنار جعفر کذاب، از یک طرف، وی را در تصمیم خویش برای غصب مقام امامت مصمم‌تر گردانید و از طرف دیگر، به علت غیبت امام زمان(عج) برخی دیگر از شیعیان نیز چون امامی به غیر از جعفر کذاب نمی‌شناختند، تحریک شده و امامت وی را پذیرفتند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۱) استدلال برخی از همین شیعیان این بود که چون فرزند ظاهری برای امام حسن عسکری(ع) ندیدند، به امامت جعفر کذاب پناه آوردند. (مفید، ۱۴۱۳، ب: ۳۱۹؛ شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۰۱) حتی برخی از شیعیان با همین استدلال از امامت امام حسن عسکری(ع) برگشتند چون معتقد بودند امام، بدون فرزند از دنیا نخواهد رفت در نتیجه جعفر کذاب را امام دانستند. (مفید، ۱۴۱۳، ب: ۳۱۹؛ نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۰۰) برخی از شیعیان نیز همانند فرقه فطحیه، چون امامت دو برادر را مادام که برادر بزرگتر پسری به جا نگذارد، جایز دانسته‌اند پیرو امامت جعفر کذاب گردیدند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۱۲؛ اشعری، ۱۳۶۰: ۱۱۱ و ۱۱۲) حضور این پیروان در کنار جعفر کذاب باعث شد، وی خود را امام بر حق دانسته و ادعای امامت خویش را مطرح نماید.

۶- نظریه بداء

بداء^۵ به معنای ظهور یا شناخت چیزی است، پس از آنکه پنهان شده باشد. بداء این نکته را بیان می‌دارد که حکم غایی خداوند درباره چیزی اغلب پس از آنکه در ابتدای امر پنهان بوده، پس از مدتی ظاهر می‌شود و گرنه خداوند هرگز اراده خود را تغییر نمی‌دهد. (محمد حسین، ۱۳۸۵: ۱۲۹) مسئله بداء سابقه طولانی دارد و در مورد امامت اسماعیل و امام کاظم(ع) فرزندان امام صادق(ع) مطرح شده بود. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۲۷؛ مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۱۸ و ۳۱۹) دوباره در مورد امامت محمد فرزند ارشد امام هادی(ع) نسبت به امام حسن عسکری(ع) تکرار گردید و مردم از مشابهت بداء محمد به بداء اسماعیل صحبت می‌کردند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۰۵) این مرتبه نیز بسیاری از یاران امام هادی(ع) گمان داشتند محمد، امام بعدی خواهد بود اما این اتفاق نیفتاد و همانند وفات اسماعیل، محمد نیز چند سال قبل از پدرش وفات یافت. (مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۱۹ و ۳۲۰) در نتیجه بداء به معنای این است که مردم فکر کرده بودند

۵. بحث کلامی بداء، جزئی از رسالت این مقاله نیست و مطرح کردن این موضوع برای این است که جعفر کذاب برای اثبات امامتش از آن استفاده کرد و در مقاله حاضر فقط از جنبه تاریخی بررسی می‌گردد. برای آگاهی بیشتر در مورد بداء ن.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۴۶ تا ۱۴۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۴۰ و ۴۱؛ مفید، ۱۴۱۴: ۶۴ تا

قرار است اسماعیل فرزند امام صادق(ع) یا محمد فرزند امام هادی(ع) امام بعد از پدران خویش باشند اما با وفات اسماعیل و محمد در زمان حیات پدرشان، مردم فهمیدند که این فکر از اول اشتباه بوده است. (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۳) با این اوصاف، می‌توان فهمید که مسئله بداء چقدر مهم است زیرا حداقل در ظاهر، امامت از شخصی به شخص دیگر منتقل شده است. امام هادی(ع) نیز در زمان فوت فرزندانشان محمد به امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «پسر جانم خدا را شکری تازه کن که درباره تو امر خود را تازه کرد.» (مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۱۵) این یعنی خداوند، به ظاهر، چیزی را تغییر داده زیرا با بودن محمد گمان می‌رفت که او امام باشد و با وفات او، امامت در امام حسن عسکری(ع) تعیین و قطعی شد و آن چیزی که مردم تصور می‌کردند، عوض گردید.

اهمیت مسئله بداء از این جهت است که می‌تواند مورد سوء استفاده مدعیان دروغین امامت قرار بگیرد. همانند جعفر کذاب که در مواردی نشان داده به بداء اعتقاد دارد اما نه برای اصلاح امور، بلکه برای سوء استفاده از آن و برای آنکه نشان دهد ادعای خودش درست است. به عنوان نمونه، مردی از اهالی بلخ اموالی را برای امام حسن عسکری(ع) در سامرا آورد و چون ایشان وفات یافته بود، مردم، جعفر را به وی معرفی کردند، وی نیز برای تحویل اموال به جعفر کذاب، نشانی اموال را خواست. جعفر کذاب وقتی فهمید آن شخص به بداء اعتقاد دارد به جای بیان نشانی اموال، گفت: «بدان که صاحب این مال برایش بداء حاصل شد و تو را مأمور کرده بدون تحقیق این اموال را به من بدهی.» اما فرستاده از سخنان جعفر کذاب بسیار تعجب کرد و قانع نشد و در نتیجه اموال را به وی تحویل نداد. (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۴۱ و ۱۴۲) این می‌رساند که مسئله بداء هم می‌تواند به مشخص شدن امام بر حق کمک کند و هم می‌تواند مورد سوء استفاده مدعیان دروغین امامت برای پیشبرد اهدافشان قرار گیرد همانگونه که جعفر کذاب را به غصب امامت و کسب اموال امام تحریک کرد.

دلایل ردّ امامت جعفر کذاب

هر چند جعفر تلاش بسیار نمود تا خود را جانشین برادرش نماید و زعامت شیعیان را به عهده بگیرد ولی تلاش‌های او نتیجه چندانی به همراه نداشت و جز عده‌ای، اکثر شیعیان حرف او را قبول نکرده و او را کذاب نامیدند و از وی برائت جستند. (مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۳۶ و ۳۳۷) برخی از دلایل شیعیان برای ردّ امامت وی عبارتند از:

۱- اولویت پسر بر برادر^۶

برخی از شیعیان از این روی به امامت جعفر کذاب ایمان آوردند چون معتقد بودند امام حسن عسکری(ع) فرزندی ندارد. (مفید، ۱۴۱۳، ب: ۳۱۹؛ نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۰۰) اما احادیث و روایات در تأیید رویت امام زمان(عج) در سنین خردسالی و در زمان حیات امام حسن عسکری(ع) از حدّ تواتر گذشته است و همانطور که پیش‌تر بیان گردید خود جعفر کذاب سه مرتبه امام زمان(عج) را دید. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۴۲ و ۴۷۵) به غیر از او افراد دیگری از خانواده و شیعیان نیز ایشان را دیده‌اند. از جمله این افراد، حکیمه عمه امام حسن عسکری(ع) که در شب ولادت امام زمان(عج) نیز حضور داشته است. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۷ تا ۲۶۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۲۴ و ۴۲۵) نسیم و ماریه که خدمتگزار امام حسن عسکری(ع) بودند نیز ایشان را دیده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۴ و ۲۴۵) به غیر از خانواده، برخی از شیعیان از جمله ابو نصر ظریف (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۲) سعد بن عبدالله اشعری قمی (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۵۴) ابو علی بن مطهر (مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۵۲) و همچنین نواب اربعه نیز ایشان را دیده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۳۲) با تأیید وجود امام زمان(عج) و با توجه به احادیث ائمه(ع) مبنی بر اینکه، پسر امام حتی اگر خردسال باشد بر برادر بزرگتر امام، برای امامت، مقدم است و تنها دو برادری که امام بودند امام حسن(ع) و امام حسین(ع) بوده و این قانون هیچ‌گاه تکرار نگردید. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۰۹؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۲۶) می‌توان نتیجه گرفت که بعد از وفات امام حسن عسکری(ع) نیز فرزندان امام خواهد شد و نه برادرشان جعفر کذاب و اعتقاد به امامت وی، باطل است. (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۵)

۲- نداشتن نصّ

یکی از مواردی که امامت فرزند امام را تأیید خواهد کرد، داشتن وصیت از طرف امام قبلی (پدرش) می‌باشد. حتی اگر فرزندی از ائمه(ع) دارای شرف نسب، شهرت و فضل باشد اما نصّی بر امامت وی نباشد، امام نخواهد بود و علت بی‌زاری جستن شیعیان از جعفر کذاب نیز این بود

۶. همانطور که پیش‌تر بیان گردید، بحث کلامی این موضوع جدا از رسالت این مقاله است. مقاله حاضر فقط از نظر تاریخی ثابت می‌کند امام حسن عسکری(ع)، فرزند پسری داشته که برخی از شیعیان و خود جعفر کذاب نیز او را دیده‌اند.

که او هیچگونه نصی از طرف پدر یا برادر خویش برای کسب مقام امامت نداشت. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۸) چه بسا اینکه او به غیر از شرف نسب، شهرت و فضلی نیز برای کسب چنین جایگاهی نداشت. اما مشکلی که وجود داشت این بود که امام حسن عسکری(ع) برای اینکه هم فرصت ردیابی امام زمان(عج) را از عباسیان بگیرند تا جان فرزند خویش را از خطر حفظ نمایند و هم جای هیچگونه ادعایی را برای دیگران، همچون جعفر کذاب، باقی نگذارند (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۸) در وصیت‌نامه خویش، حدیثه، مادر خویش را به عنوان جانشین به شیعیان معرفی کردند و به ظاهر، پیروی از یک زن برای برخی از شیعیان قابل قبول نبود. حکیمه عمه امام حسن عسکری(ع) برای این انتخاب اینگونه استدلال آوردند که امام حسن عسکری(ع) به امام حسین(ع) اقتدا کردند زیرا امام حسین(ع) نیز برای اینکه جان پسرش امام سجاد(ع) در امان باشد، بنا بر ظاهر، وصایای خویش را به خواهرش زینب(س) سپرد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۰۱) البته مادر امام حسن عسکری(ع) به عنوان وصی برای رسیدگی به موقوفات و صدقات امام(ع) انتخاب گردیدند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۰۷) اما برخی از شیعیان گمان می‌کردند این جانشینی، همان کسب مقام امامت است.

برای همین برخی تلاش داشتند تا در این وصیت‌نامه تشکیک ایجاد کنند و آن را سندی بر عدم وجود فرزند برای امام حسن عسکری(ع) بدانند که اگر ایشان پسری داشت حتما بر وی وصیت می‌کرد. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۰۷) اما علت اصلی وصیت امام حسن عسکری(ع) بر مادرشان، همانطور که گفته شد، به خاطر تقیه و برای حفظ جان امام زمان(عج) بوده است. همچنین باید توجه داشت که وصیت کردن به اشخاصی غیر از فرزند، پیش‌تر نیز سابقه داشت. به عنوان نمونه امام صادق(ع) به هنگام وفات، پنج نفر را به عنوان وصی خویش معرفی نمودند که در کمال تعجب، نام ابوجعفر منصور، خلیفه عباسی و محمد بن سلیمان والی مدینه نیز در میان آنها دیده می‌شود و حتی نام یک زن نیز در این وصیت‌نامه آورده شد به نام حمیده که همسر امام صادق(ع) و مادر امام موسی کاظم(ع) بود. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۹۶؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۲۰) این چنین وصیت‌نامه‌ای به خاطر حفظ جان امام کاظم(ع) بوده که وصی اصلی ایشان است. از همین روی وصی امام حسن عسکری(ع) نیز یک زن بود تا هم جان امام زمان(عج) حفظ شود و هم نصی بر امامت جعفر کذاب نشده باشد که بتواند مورد سوء استفاده وی یا پیروانش قرار گیرد و هم موقوفات ایشان بلا تکلیف نماند.

۳- خواندن نماز بر پیکر امام (ع) ۲

یکی از نشانه‌های امام بعدی این است که اگر نزد پدر و امام خویش حضور دارد باید بر پیکر وی نماز بخواند و شخص دیگری چنین اجازه‌ای ندارد. امام حسن عسکری (ع) نیز بر این موضوع تأکید داشتند که بعد از وفات‌شان، هر کس بر پیکر ایشان نماز بخواند، امام خواهد بود. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۵) این نکته‌ای بود که ائمه پیشین از جمله امام هادی (ع) نیز بر آن تأکید داشتند و امام حسن عسکری (ع) بر پیکر ایشان نماز خواندند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۲۶؛ مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۱۵) با این نماز بود که بسیاری از شیعیان از امامت امام حسن عسکری (ع) آگاه شدند. در این زمان نیز با وفات امام حسن عسکری (ع)، جعفر کذاب آماده شد تا بر پیکر ایشان نماز بخواند و خود را به عنوان امام بعد از ایشان معرفی کند اما ناگهان امام زمان (عج) با آنکه خردسال بودند، آمدند و او را از کنار پدر خویش دور کرده و گفتند: «ای عمو کنار برو که من برای نماز بر پدرم سزاوارترم.» سپس بر پدرشان نماز خواندند و مردم نیز به ایشان اقتدا کردند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۵؛ راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۳: ۱۱۰۲) در نتیجه جعفر کذاب نتوانست بر پیکر برادرش نماز بخواند و یکی از راه‌های اثبات امامتش از بین رفت.

۴- گناه کردن

از موارد مسلمی که برای امام لازم است این بوده که اهل گناه نباشد اما بنا بر قول برخی از محدثین، رفتارها و گفتارهای زشت جعفر کذاب، به قدری زیاد بود که قابل شمارش نیست. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۲۷) وی آشکارا اهل فسق و فجور و گناهان بزرگ بود. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۰۰ و ۱۰۱) رفتارهای نادرست جعفر کذاب به گونه‌ای بود که بسیاری از مردم سامراء از آن مطلع بودند. وی جمعی از خوانندگان و نوازندگان را برای خوانندگی و تفریح به همراه خویش، سوار بر کشتی می‌کرد و به رود دجله رفته و به می‌گساری مشغول می‌شد. او به غیر از شراب‌خواری، قماربازی هم می‌کرد و با ساز و ضرب موسیقی نیز سر و کار داشت. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۵ تا ۴۷۷؛ راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۳: ۱۱۰۱ و ۱۱۰۲) در مواردی، مردم او را در حالت مستی دیده بودند که با صدای بلند، کنیز خویش را فریاد می‌زند و دلتنگش بود به طوری که امام حسن عسکری (ع) او را از این رفتار نادرست منع می‌نمودند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۲۷؛ راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۲: ۶۸۲) از همین روی بود که نه تنها به «شرب الخمر» یعنی شراب‌خوار معروف گردید

۷. مجلد تأکید می‌گردد، بحث کلامی این موضوع جدا از رسالت این مقاله است. مقاله حاضر فقط از

نظر تاریخی مشخص می‌کند که چه کسی بر پیکر امام حسن عسکری (ع) نماز میت خوانده است.

بلکه به حدی اهل شراب بود که به «زِقِ الخَمْرِ»^۸ نیز مشهور شد چون هم بسیار شراب می خورد و هم شراب بسیاری در خانه خویش نگهداری می کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۷۳؛ حلی، ۱۴۰۸: ۱۵۴) امام زمان (عج) نیز طی نامه ای به احمد بن اسحاق اشعری به شراب خوار و گناه کار بودن عمومی خویش اشاره کرده و به شیعیان می فرماید: «این مفسد باطل به ورع و پرهیزکاری خویش می نازد با اینکه خدا گواه است که چهل روز نمازش را ترک نمود به خیال این که چله نشین شود تا شعبده بازی آموزد. هنوز ظرف های شراب خواری او بر در و دیوار خانه اش آویزان است و آثار گناه و خلاف کاریش آشکار است.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۷ تا ۲۹۰) وقتی جعفر کذاب، تارک الصلاة و شراب خوار بود، مشخص است که شایستگی مقام امامت را نخواهد نداشت.

رفتارهای نادرست جعفر کذاب آنچنان آشکار بود که حتی برخی از مخالفان سرسخت شیعه از آن بیزار می جستند. به عنوان نمونه: عبیدالله بن یحیی بن خاقان که وزیر عباسی بود وقتی متوجه شد مردم در مورد او صحبت می کنند، عصبانی شد و به دفاع از امام حسن عسکری (ع) در مورد جعفر کذاب می گفت: «جعفر کیست که از حال او پرسیده شود؟ یا نام او را در ردیف حسن بن علی (ع) ذکر کرد؟! همانا جعفر، آشکارا اهل گناه است. آدم بی حیا و هوس باز و شراب خوار است. پست ترین، بی ابروترین و سبک ترین مردی است که من تا به حال دیده ام.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۰۳ و ۵۰۴؛ قمی، ۱۳۶۱: ۲۰۴) یعنی وی با اینکه از مخالفان شیعه است اما جایگاه امام حسن عسکری (ع) را بالا می داند و برعکس جایگاه جعفر کذاب را بسیار پایین بیان می کند. با توجه به اعمالی که از جعفر کذاب ظاهر گشت، پر واضح است این اعمال با مقام عصمت و امامت منافات دارد و نشان از عدم امامت وی دارد. (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۵)

۵- نداشتن علم کافی

جعفر کذاب در حالی ادعای امامت کرد که دانش کافی برای کسب مقام امامت نداشت. وی پس از وفات امام حسن عسکری (ع) طی نامه هایی به بعضی از شیعیان، خود را امام معرفی کرد و علاوه بر آن ادعا کرد عالم به حلال و حرام و بلکه عالم به جمیع اموری است که مردم به آن احتیاج دارند و اینکه سایر علوم، همه و همه در نزد او است. امام زمان (عج) در رد این نامه در مورد میزان دانش عمومی خویش، طی نامه ای به شیعیان فرمودند: «به خدا این مفسد باطل، تشخیص حلال و حرام را نمی دهد، فرقی بین صحیح و ناصحیح نمی گذارد. وی مدعی علم و

۸. ظرف شراب.

دانش است با اینکه فرق بین حق و باطل، محکم و متشابه را نمی‌داند. اطلاعات نماز روزانه را ندارد، وقت انجام آن را وارد نیست، حدود نماز را نمی‌داند و از واجبات نماز سر در نمی‌آورد. او حتی تفسیر یک آیه از قرآن را نمی‌داند.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۷ تا ۲۹۰) سالها پیش از امام زمان (عج)، امام جعفر صادق (ع) نیز خبر از بی‌دانشی جعفر کذاب داده و فرموده بودند: «او خود را آگاه به اخبار آسمان و زمین و مشرق و مغرب می‌دهد اما چون از حلال و حرام خدای عزوجل سؤال کنی، از آنها آگاهی ندارد و دانشی نزدش نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۴۰) با توجه به عدم آگاهی وی به علم امامت، چنین شخصی لیاقت ندارد که شهادتش را برای یک درهم از او بپذیریم چه رسد به آنکه منصب جانشینی رسول الله (ص) را به او بسپاریم. (نویختی، ۱۴۰۴: ۱۰۰ و ۱۰۱) با این اوصاف، جعفر کذاب نه تنها دانش امامت و رهبری جامعه را نداشت بلکه دانشی به اندازه یک انسان معمولی، برای فهم آیات و روایات را نیز نداشت و در نتیجه شایستگی کسب مقام امامت را نیز نخواهد داشت.

۶- عدم اطلاع و شناخت نسبت به مقام امامت

وقتی جعفر کذاب ادعای امامت کرد، شیعیان طبق روال گذشته که از امامان (ع) دلیل و مدرک بر صدق امامت‌شان می‌خواستند، نزد جعفر کذاب نیز رفته و از وی دلیل برای اثبات امامتش خواستند. ولی جعفر کذاب به علت نداشتن دانش امامت و حتی بسیار کمتر از آن، به علت نداشتن دانش معمولی، در پاسخ برخی از شیعیان گفته بود: «هم اکنون برهان مسلمی که بتوانم برای شما اثبات امامت خود را روشن نمایم، در نظر نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۲۳؛ مفید، ۱۴۱۳، الف، ج ۲: ۳۶۴ و ۳۶۵) گویی دانش امامت وابسته به زمان و مکان است که الان نداند و فردا بداند و این یعنی، جعفر کذاب، ادعای امامت کرد ولی دلیلی بر مدعای خویش نداشت. همچنین زمانی که برخی از نمایندگان شیعیان، وجوهات خویش را برای امام حسن عسکری (ع) آوردند و متوجه شدند امام (ع) از دنیا رفته‌اند، در جستجوی امام بعدی بودند که به جعفر کذاب راهنمایی شدند و از وی نشانه‌های اموال را خواستند تا به او تحویل دهند اما وی نه تنها نشانه‌های اموال را نمی‌دانست بلکه برای تصاحب اموال با آنها به تندی و عصبانیت برخورد کرد و نمایندگان شیعیان را که پیش‌تر وجوهات شیعیان را به برادرش، امام حسن عسکری (ع) تحویل می‌دادند، دروغگو خطاب کرد و از ایشان براءت جست. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۷۶ و ۴۷۷؛ راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۳: ۱۱۰۲) این نشان می‌دهد جعفر کذاب به دنبال غصب مقامی بود که هیچ شناختی نسبت به جایگاه آن نداشت.

۷- دوستی و ارتباط با افراد منحرف و عدم اطاعت از پدر و امام خویش

از جمله دلالتی که بر فساد امر جعفر کذاب دلالت دارد این است که با «فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی»^۹ دوستی داشت و او را پاک می‌شمرد با آنکه پدرش از او بیزاری جسته بود. دوستی جعفر کذاب با فارس بن حاتم به حدی رسیده بود که خبر آن در همه جا پخش شده بود و علاوه بر دوستان، دشمنان نیز از آن با خبر بودند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۸) «فضل بن شاذان» که از اصحاب امام هادی(ع) است در مورد فارس بن حاتم می‌گفت: «او از دروغگویان مشهور و فاسد بود.» (کشی، ۱۴۰۹: ۵۲۳) انحراف وی به جایی رسید که امام هادی(ع) دستور قتل وی را صادر کردند. (کشی، ۱۴۰۹: ۵۲۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۴۱۷ و ۴۱۸) با اینکه امام هادی(ع)، فارس بن حاتم را مرتد دانسته بودند اما همچنان جعفر کذاب با وی و خانواده‌اش که همه غالی و دروغگو بودند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۹؛ نوبختی، ۱۴۰۴: ۹۸) همراهی می‌کرد. یکی از دلایل همراهی جعفر این بود که آنها وی را پس از شهادت امام هادی(ع)، امام می‌دانستند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۰۶ و ۱۰۷؛ اشعری، ۱۳۶۰: ۱۱۲ و ۱۱۳) و پس از وفات امام حسن عسکری(ع) نیز برای اینکه گروهی از شیعیان را از امامت امام زمان(عج) منحرف کنند، چنین وانمود کردند که امام حسن عسکری(ع) در حالت احتضار بر امامت برادر خود جعفر کذاب وصیت کرده است. (مفید، ۱۴۱۳، ب: ۳۲۱؛ شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۰۱) در حالی که این موضوع، صحت ندارد و همانطور که پیش‌تر بیان گردید وصیتی بر امامت جعفر کذاب وجود ندارد و هیچ‌کدام از یاران و پیروان امام هادی(ع) این موضوع را تأیید نکرده‌اند. برخی از پیروان این فرقه، کار را به جایی رساندند که امام حسن عسکری(ع) را انکار کرده، حتی ایشان و شیعیانش را تکفیر کردند و از نظر ایشان جعفر کذاب، قائم امت و مقامش از امام علی(ع) بالاتر است. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۰۶ و ۱۰۷؛ اشعری، ۱۳۶۰: ۱۱۲ و ۱۱۳) به غیر از دوستی و ارتباط با افراد منحرف که پدرش همواره مخالف این روابط بود، جعفر کذاب در دیگر موارد نیز مخالف دستورات پدر و امام خویش رفتار می‌کرد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۹) همراهی جعفر کذاب با افراد ناصالح و مخالفت با دستورات پدر و امام خویش، نشان از عدم اطاعت‌پذیری وی دارد و کسی که از امام خویش اطاعت نمی‌کند، خودش نیز صلاحیت امامت ندارد.

۸- مخالفت خدا، پیامبر(ص) و ائمه(ع) با امامت جعفر کذاب

۹. وی از اصحاب امام رضا(ع) بود اما به غلو دچار شد و مورد لعن امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) قرار گرفت. (کشی، ۱۴۰۹: ۵۲۲)

روایاتی از ائمه (ع) نقل گردیده مبنی بر اینکه اولین کسی که جعفر را کذاب نامید و تکذیبش کرد، خداوند عزوجل است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۳۹؛ المحاسن، ج ۱، ص: ۱۱۸) بعد از خداوند، پیامبر اکرم (ص) بیش از ۲۰۰ سال قبل از تولد جعفر، خبر از کذاب بودن وی دادند و طبق حدیثی فرمودند: «هنگامی که پسر من جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) متولد شد او را جعفر صادق نام نهاد که از فرزندان وی مردی متولد خواهد شد که نام او نیز جعفر است و دعوی امامت خواهد کرد و او دروغگو است.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۹؛ قمی، ۱۳۶۱: ۲۰۳) پیامبر (ص) در ادامه فرمودند: «وای بر او به خاطر جسارت او به خدا و وای بر او به خاطر اینکه به برادرش که صاحب حق بود و به امام زمان (عج) و اهل بیت ایشان بی احترامی می کند.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۷۲ و ۲۷۳) امام سجّاد (ع) نیز همین روایت را از پیامبر (ص) بیان کرده و سپس به شدت گریستند و در ادامه فرمودند: «گویا جعفر کذاب را می بینم که طاغی زمانش را وادار می کند تا در امر ولی خدا تفتیش کند. بخاطر جهلی که بر ولادت او دارد، و حرصی که بر قتل او دارد و طمعی که به میراث او دارد تا آن را به ناحق غصب نماید.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۹ و ۳۲۰؛ راوندی، ۱۴۰۹، ب: ۳۶۶) امام صادق (ع) نیز در مورد جعفر کذاب و پیروانش فرمودند: «به درستی که کذاب به حجّت های روشن و پیروان او به شبهه ها هلاک خواهند شد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۳۹) پیش بینی های پیامبر اکرم (ص) و دیگر ائمه (ع) خبر از ظهور جعفر دارد که با مطرح کردن امامت خویش به کذاب معروف گردید و پیروانی نیز پیدا کرد. اما با ادعای دروغین و رفتارهای نادرست خویش باعث هلاکت خود و پیروانش گردید.

۹- مخالفت امام هادی (ع) با امامت جعفر کذاب

امام هادی (ع) با توجه به احادیثی که پیامبر اکرم (ص) و دیگر ائمه (ع) در مورد جعفر کذاب فرموده بودند، حتی در هنگام تولد فرزندش جعفر، نه تنها خوشحال نشد بلکه با ناراحتی به شیعیانی که برای عرض تبریک خدمت ایشان آمدند، فرمودند: «امر جعفر را ناچیز بدانید زیرا او به زودی عده زیادی را گمراه خواهد کرد.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۲۰؛ مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۳۹) این خبر نشان می دهد، امام هادی (ع) با توجه کردن بیش از حدّ به جعفر کذاب مخالف بودند و اینکه این توجهات باعث ادعای امامت وی و گمراه کردن دیگران، خواهد شد. البته طولی هم نکشید که جعفر کذاب تلاش کرد تا خود را امام بعد از پدرش معرفی کند. چنان که بعضی از شیعیان گمان کرده بودند که وی، امام بعد از پدرش است. اما امام هادی (ع) به شدت

با این موضوع مخالفت کردند و جعفر کذاب را هر چند که فرزند ایشان است، دشمن خود و دشمن برادرش حسن(ع) خطاب کردند. (خصیبه، ۱۴۱۹: ۳۲۰) همچنین شیعیان را ملزم به اجتناب از جعفر کردند و نسبت وی به خودشان را نسبت حام به نوح توصیف می کردند. (خصیبه، ۱۴۱۹: ۳۸۱ و ۳۸۲) این موارد نشان می دهد، امام هادی(ع) به شدت با امامت جعفر کذاب مخالف بودند.

۱۰- حسادت و رفتارهای نادرست نسبت به امام حسن عسکری(ع)

همانطور که در ابتدای مقاله بیان گردید، امام حسن عسکری(ع) سه برادر به نام های حسین، محمد و جعفر داشتند. از حسین، اطلاعات چندانی در دست نیست ولی از برخی گزارشات چنین برداشت می شود که رابطه اش با امام حسن عسکری(ع) خوب بود. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۷ و ۲۸۸) محمد، برادر بزرگتر امام حسن عسکری(ع) بود و امام حسن عسکری(ع) وی را دوست داشت و همواره این دو برادر، همراه هم بودند اما رابطه صمیمی میان ایشان و جعفر وجود نداشت. (عمروی، ۱۴۲۲: ۳۲۷) با وجود این، امام حسن عسکری(ع) هرگاه شرایط ایجاب می کرد و لازم بود به جعفر کذاب محبت می کردند. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۳ و ۲۵۴) اما مشکلاتی میان این دو برادر وجود داشت، از جمله اینکه، جعفر کذاب به امام حسن عسکری(ع) حسادت می کرد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۹؛ راوندی، ۱۴۰۹، ب: ۳۶۶) امام حسن عسکری(ع)، حسادت جعفر کذاب نسبت به خودشان را بسیار زیاد می دانستند به حدی که اگر برای وی فرصتی پیش می آمد، در دم امام(ع) را می کشت؛ همانند قایل، پسر حضرت آدم(ع) که به خاطر حسادت، برادرش، هابیل را کشت. (خصیبه، ۱۴۱۹: ۳۸۱ و ۳۸۲) به همین دلیل، همواره بین امام حسن عسکری(ع) و جعفر کذاب، اختلاف وجود داشت و او و دوستانش همواره با امام حسن عسکری(ع) بدرفتاری می کردند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۹۸ و ۹۹) پیروانش معتقد بودند امام حسن عسکری(ع) دانش لازم برای کسب مقام امامت را ندارد برای همین به یاران امام(ع) «حماریه» می گفتند. (شهرستانی، ج ۱: ۲۰۰) حتی برخی از این پیروان، امام حسن عسکری(ع) را کافر می دانستند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۰۶ و ۱۰۷؛ اشعری، ۱۳۶۰: ۱۱۲ و ۱۱۳) به غیر از رفتارهای توهین آمیز، شک و شبهه های فراوانی نسبت به امامت امام حسن عسکری(ع) ایجاد کردند تا جایی که امام(ع) در این باره فرمودند: «هیچ یک از پدرانم مانند من مورد شک و تردید واقع نشده است.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۲۲) دلیل اصلی این اختلافات نیز، حسادت بود و این

در حالی است که مدعی امامت نباید حسود باشد. اما جعفر کذاب چون توقع داشت خودش مقام امامت را به دست آورد اما نشد پس به حسادت و دشمنی نسبت به برادرش روی آورد.

۱۱- دشمنی با امام زمان(عج) و برائت ایشان از جعفر کذاب

با نزدیک شدن به زمان تولد امام زمان(عج) و با توجه به احادیث پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع)، دشمنان بسیاری هم از بنی عباس و هم از خاندان اهل بیت(ع) در مقابل ایشان صف کشیدند. شرایط جامعه در این زمان، آنچنان سخت بود که حتی اگر برخی از فرزندان اهل بیت(ع) از تولدش مطلع می شدند او را قطعه قطعه می کردند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۸ و ۲۸۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۳) و همانطور که مشخص گردید یکی از این اشخاص، جعفر کذاب بود که برای پیدا کردن و کشتن ایشان تلاش بسیاری نمود. جعفر کذاب تا زمان وفات امام حسن عسکری(ع) از تولد امام زمان(عج) مطمئن نبود اما زمانی که فهمید اهل خانه امام حسن عسکری(ع) به وجود ایشان اعتقاد دارند، مطمئن گردید که ایشان متولد شده و تصمیم گرفت به کمک خلیفه عباسی ایشان را به قتل برساند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۹ و ۳۲۰) و زمانی که به کمک نظامیان عباسی برای غصب میراث امام یازدهم به خانه امام(ع) وارد شد، هدف اصلی اش این بود که اگر فرزند برادرش را دید، او را به قتل برساند و سر ایشان را برای خلیفه ببرد. (راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۲: ۹۴۲) از همین روی، امام زمان(عج)، رفتار جعفر کذاب نسبت به خودشان را همانند رفتار برادران حضرت یوسف(ع) می دانند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۸۳ و ۴۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۰۷) که ایشان را در چاه انداختند تا کشته شود اما به مقصودشان نرسیدند و جعفر نیز چنین قصدی داشت ولی به مقصودش نرسید. اما برخی از علما مبتلا بودن امام زمان(عج) به جعفر کذاب را همانند مبتلا بودن حضرت موسی(ع) به پسر عمویش قارون تشبیه کرده اند به این دلیل که خداوند دشمنی او را از امام زمان(عج) دفع کرد همانگونه که با قارون چنین کرد. (راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۲: ۹۳۹)

امام زمان(عج) طی نامه هایی به فرستادگان شیعیان، دروغ بودن ادعای امامت جعفر کذاب را متذکر شدند. (راوندی، ۱۴۰۹، الف، ج ۲: ۶۹۹ و ۷۰۰) و در پاسخ به برخی از نامه های شیعیان فرمودند: «هر کس به غیر از من ادعای امامت کند، کذاب و گمراه است.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۱۰ و ۵۱۱) همچنین در پاسخ به نامه احمد بن اسحاق اشعری فرمودند: «خداوند هرگز جعفر کذاب را بر هیچ یک از مردم، منصب و مقام امامت نداده است.» و در همین نامه، جعفر کذاب را با کلماتی سنگین همچون: ظالم غاصب، گناهکار، کافر، درشت خوی، پیرو هوا و هوس،

مخالف پروردگار، مدعی باطل و منکر حق توصیف کردند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۵ تا ۲۹۰) به کار بردن چنین کلماتی نشان می‌دهد، جعفر کذاب نه تنها شایستگی مقام امامت را نداشته بلکه انسان بدی نیز بوده است.

در پایان باید متذکر گردید، برخی از مورخین معاصر سعی کرده‌اند تا خطاهای فرزندان اهل بیت(ع) را نادیده گرفته یا واقعیت‌های تاریخی را انکار کنند. مثلاً در ترجمه کتاب قصص الانبیاء، از توبه کردن جعفر کذاب نسبت به ادعای امامت خویش در اواخر عمر، سخن گفته و از این روی، لقبش از «کذاب» به «توآب» تغییر کرد. عجیب آنکه این مطلب در کتاب اصلی که به زبان عربی و نوشته سید جزائری، شاگرد و هم‌عصر علامه مجلسی بوده، وارد نشده و فصل‌های مربوط به سیره ائمه(ع) به کتاب ترجمه اضافه شده است. (جزائری، ۱۳۸۱: ۸۵۷) همچنین در کتاب «طهر مطهر» نیز نگارنده تلاش کرده تا جعفر کذاب را به هر صورتی که می‌تواند، تطهیر نماید. این ادعای توبه جعفر کذاب، در حالی بیان شده که در هیچ‌کدام از کتاب‌های تاریخی یا روایی این مطلب بیان نشده و حتی از رفتارها و عملکرد وی نیز چنین چیزی برداشت نمی‌شود. فقط در کتاب المجدی اینچنین نوشته شده «گفته‌اند قبل از مرگ توبه کرده است.» (عمروی، ۱۴۲۲: ۳۲۵) در جایی دیگر عمروی به نقل از یکی از مشایخ خویش به نام شیخ شرف عبیدی که از نوادگان امام سجاد(ع) است، نقل می‌کند: «شایستگی‌های زیادی به جعفر بن علی نسبت داده می‌شود. وی در دوران نوجوانی خطاهایی داشت اما بزرگتر که شد کارهای بد را رها کرد. ایشان، رساله‌ای با عنوان «الرضویه» در حمایت از جعفر بن علی نوشت که من آن را به خط خودش دیدم.» (عمروی، ۱۴۲۲: ۳۳۱) این‌ها نشان می‌دهد صاحب کتاب المجدی نیز به این سخنان اعتقاد چندانی نداشته که از زبان دیگران آن را نقل کرده است. در برخی از کتب دیگر نیز با نام جعفر تواب از وی یاد کرده‌اند. (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۲: ۳۴۰) این موارد نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این نویسندگان به سخن خویش مطمئن نبودند و خبر توبه کردن جعفر کذاب صحت چندانی ندارد.

نتیجه گیری

امام حسن عسکری(ع) در زمان حیات خویش جز به معدودی از یاران خاص خویش، فرزندان امام زمان(عج) را معرفی نکرده بودند و حتی به خاطر حفظ جان امام زمان(عج) اجازه انتشار یا بردن نام ایشان را ندادند. به علت همین تقیه، با وفات امام حسن عسکری(ع) بسیاری از مردم و حتی شیعیان اصلاً اطلاع نداشتند ایشان فرزندی داشتند، چه رسد به اینکه بدانند ایشان

با وجود سن بسیار کم، امام بعدی نیز هست. همین غیبت امام زمان(عج) و عواملی چند همانند ثروت‌اندوزی، حمایت خلیفه و برخی از شیعیان باعث گردید تا عموی ایشان که پیش‌تر نیز نشان داده بود که داعیه امامت دارد، در این زمان، علنی‌تر ادعای امامت کند در صورتی‌که شایستگی‌های لازم برای کسب مقام امامت را نداشت. به هر صورت جعفر کذاب در ادعای امامت خویش بسیار سماجت از خود نشان داد و برای به دست آوردن مقام و موقعیت برادرش با خلیفه عباسی همکاری کرد و با حمایت وی به خانه برادرش یورش برد و اموال و ماترک امام یازدهم را به زور تصاحب کرد. به همین علت است که در مورد او احادیث بسیار تنیدی وجود دارد و هیچ‌کدام از دیگر فرزندان ائمه(ع) که ادعای امامت یا خلافت داشته‌اند همانند جعفر مورد لعن و نفرین خدا، پیامبر(ص) و دیگر ائمه(ع) قرار نگرفته‌اند. این می‌رساند که اگر انسان فرزند امام معصوم(ع) هم باشد ولی از خودش مراقبت نکند ممکن است در وادی ضلالت قدم گذارد و مورد لعن ائمه(ع) قرار گیرد.

اما دلایلی چند مثل گناهان آشکار و رفتارهای زشتی که بعضی از آنها در مقابل دیدگان مردم صورت گرفته بود همچنین نداشتن علم کافی برای رهبری جامعه، نداشتن نص، دوستی با افراد منحرف که مورد لعن پدرش نیز بودند و چند دلیل دیگر، عدم امامت وی را اثبات می‌کنند. امام هادی(ع) نیز در زمان حیات خویش به شیعیان، عدم امامت جعفر کذاب را گفته بودند اما عدم اطاعت جعفر از امام هادی(ع) نشان می‌دهد، جعفر کذاب، فقط به عنوان یک پدر به امام هادی(ع) می‌نگریسته که به راحتی می‌تواند در مقابل نظرات ایشان مخالفت کرده یا خلاف آنها رفتار کند و اصلاً دیدگاه مأموم نسبت به امام خویش نداشته است و در قبال امام حسن عسکری(ع) و امام زمان(عج) نیز همین رفتارها و حتی بدتر از این را از خود داد و حتی تلاش کرد تا امام زمان(عج) را به قتل رسانده و مقام امامتش را به دست آورد.

منابع

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، ۱۴۰۴ق، الإمامة و التبصرة من الحیره، قم، مدرسه الإمام المهدی(عج)
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامیه
۳. ابن حزم، ۱۴۰۳ق، جمهره أنساب العرب، بیروت، دار الکتب العلمیه

۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب(ع)، قم، علامه
۵. ابن عنبه، احمد بن علی، ۱۳۶۲، عمدۀ الطالب فی انساب آل ابی طالب، تصحیح محمدحسن آل طالقانی، قم، منشورات الشریف الرضی
۶. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، بی تا، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة
۷. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، کشف الغمۀ فی معرفۀ الاثمة، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی
۸. اشعری، سعد بن عبدالله، ۱۳۶۰، المقالات و الفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۹. جزائری، نعمت الله بن عبدالله، ۱۳۸۱ق، قصص الأنبياء، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، انتشارات فرحان
۱۰. حلّی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر، ۱۴۰۸ق، العدد القویۀ لدفع المخاوف الیومیۀ، تصحیح مهدی رجائی و محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیۀ الله مرعشی نجفی
۱۱. خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، الهدایۀ الكبرى، بیروت، البلاغ
۱۲. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹ق، الف، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی(عج)
۱۳. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹ق، ب، قصص الأنبياء، تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی
۱۴. رفیعی، رفیع الدین سیدجعفر، ۱۳۹۵، طهر مطهر در تربئه جناب جعفر عموی امام زمان(عج)، قم، یاران قائم(عج)
۱۵. زرکلی، خیرالدین، ۱۹۸۹م، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، الطبعة الثامنة، بیروت، دارالعلم للملایین
۱۶. شافع مهراآبادی، سیدحسین، احمدی کجایی، مجید، تابستان ۱۳۹۶، کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی(ع)، نشریه پژوهش های مهدوی، شماره ۲۱
۱۷. شامی، یوسف بن حاتم، ۱۴۲۰ق، الدر النظیم فی مناقب الائمة اللهمیم، قم، جامعه مدرسین
۱۸. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، ۱۳۶۴، الملل و النحل، چاپ سوم، قم، الشریف الرضی
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۳، رجال الطوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المقدسه

۲۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ق، الغیبه، تصحیح عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الاسلامیه
۲۱. عمروی، علی بن محمد، ۱۴۲۲ق، المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی
۲۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، انتشارات رضی
۲۳. فخر رازی، محمد، ۱۴۱۹ق، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، قم، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی
۲۴. قمی، حسن بن محمد، ۱۳۶۱، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس
۲۵. کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، کنز الفوائد، تصحیح عبدالله نعمه، قم، دارالذخائر
۲۶. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشی، تصحیح محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۸. محمد حسین، جاسم، ۱۳۸۵، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ترجمه سید محمدتقی آیت اللهی، تهران، امیر کبیر
۲۹. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ق، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم، دارالهجره
۳۰. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴، اثبات الوصیه، چاپ سوم، قم، انصاریان
۳۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الف، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید
۳۲. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، ب، الفصول المختاره، تصحیح علی میر شریفی، قم، کنگره شیخ مفید
۳۳. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه
۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، الغیبه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق
۳۵. نوبختی، حسن بن موسی، ۱۴۰۴ق، فرق الشیعہ، الطبعة الثانيه، بیروت، دار الأضواء
۳۶. نوری، میرزا حسین، ۱۳۸۴ق، نجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب، قم، مسجد جمکران

۳۷. یعقوبی، ابن واضح، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر